

کار گر هست، دستمز دنیست!



ویدعظیم‌نیا دبیر گروه اقتصادی

این روزها دوباره در برخی محافل، گفتمان آشنای «کاری بی کارگر» سر زبان‌ها افتاده است. بعضی می‌گویند که صنایع با بحران نیروی انسانی روبه‌رو شده‌اند، چون مهاجران افغانستانی برگشته‌اند. گویی آنچه چرخ کارخانه‌ها را می‌چرخاند، تنها بازوان نحیف کارگران مهاجر است و با نبودشان، همه چیز به سکون می‌گراید، اما این تنها نیم‌نگاهی به ماجراست و شاید هم نگاهی کاملاً غلط. واقعیت این است که «نبود کارگر» در صنعت، بیش از آنکه حاصل خروج مهاجران باشد، ریشه در واقعیت تلخ‌تری دارد: سهم ناچیز نیروی انسانی در هزینه‌های تولید صنعتی و تحقیر پنهانی که در نظام دستمزدها نهاده‌ینه شده است. امروز دیگر کارگر ایرانی، با حداقل دستمزد قانونی، حاضر نیست جان بر سر چرخ تولید بگذارد، نه از سر تنبلی، بلکه به خاطر بی‌عدالتی مزمن ساختاری.

در بیشتر صنایع کشور، طبق آمارهای رسمی، دستمزد تنها ۵۵ درصد از هزینه تمام‌شده تولید را شامل می‌شود. در برخی حوزه‌ها حتی کمتر، این به آن معناست که اگر کارخانه‌ای ۱۰۰ میلیون تومان محصول تولید کند، سهم نیروی انسانی از این هزینه، تنها ۵۵میلیون تومان است. این نسبت در دنیا یک استثنا محسوب می‌شود. در اقتصادهای توسعه‌یافته یا حتی در حال توسعه، سهم دستمزد گاه تا ۳۰ یا ۴۰ درصد هم می‌رسد. چرا در کشورمان چنین نیست؟ به‌عنوان هزینه‌ای قابل حذف تلقی می‌شود. این نگاه، حاصل سال‌ها بی‌توجهی به شأن نیروی کار و تمرکز صرف بر سودآوری به هر قیمتی بوده است، از این رو وقتی دستمزد کارگر ایرانی حتی کفاف اجاره یک واحد کوچک در حاشیه شهر را ندهد، وضعیت کنونی رقم می‌خورد، بنابراین راحل پاک کردن صورت‌مسئله با کارگر وارداتی نیست بلکه حل ریشه‌ای آن و منطقی‌سازی حقوق کارگر ایرانی است. بخشی از صنعت، به‌ویژه در بخش‌های سنتی، طی سال‌ها به نیروی کار مهاجر – به‌خصوص مهاجران افغانستانی – به‌خوبه گره خفته است. این نیروها به دلیل شرایط خاص اقامتی، اغلب مجبور بودند با دستمزدهی کمتر از حداقل قانونی، بدون بیمه و حمایت، به کار در دهند. بسیاری از کارفرمایان هم ترجیح می‌دادند از این ظرفیت استفاده و از بار قانونی و مالیاتی‌شانه خالی کنند. اکنون که بخش کوچکی از این مهاجران، به دلایل سیاسی یا برنامه‌های بازگشت، دیگر در دسترس نیستند، برخی از کارفرمایان به جای اصلاح الگوی کسب‌و کار خود، انگشت اتهام را به سوی سیاستگذاران مهاجرتی نشانه رفته‌اند. آنها فریاد می‌زنند «کار نیست» اما نمی‌گویند که آیا حاضرند برای آن کار، دستمزده منصفانه پرداخت کنند؟ آیا بیمه و امنیت شغلی فراهم کرده‌اند؟ آیا از ساعت‌های کار غیر انسانی در محیط‌های نامطلوب کاسته‌اند؟

یکی از آذرس‌های غلط رایج این است که می‌گویند: «جوان ایرانی اهل کار نیست، دنبال کار پشت میزی است». این تحلیل سطحی، بیشتر از آنکه ریشه در واقعیت داشته باشد، بازتاب نوعی فراضاتی طبقاتی از نسلی است که حاضر نیست با دستمزده حداقلی، در شرایط نامناسب کار کند. جوان ایرانی در همین سال‌ها، سخت‌ترین مشاغل را در سکوهای حمل‌ونقل، ارسال کالا، انبارداری یا کارگری خدماتی انجام داده است، اما چون این مشاغل بعضاً به صورت غیررسمی هستند، هیچ‌گاه دیده نمی‌شوند. اتفاقاً جوان ایرانی کار می‌کند، اما نه به هر قیمتی. نه با دستمزدی که حتی از خط فقر رسمی نیز پایین‌تر است. آیا واقعاً منطقی است که توقع داشته روز، شش روز هفته کار کند، درحالی‌که اجاره‌خانه‌اش ۷میلیون تومان است، مشکل فرزندش که نیازمند مدرسه است، مشکل نبود کرامت کار است. اقتصادهایی که بر دوش نیروی کار ارزان ایستاده‌اند، در بلندمدت به بن‌بست می‌رسند. کار ارزان، فقط ظاهر رقابت‌پذیری را ایجاد می‌کند، اما در باطن، به فرسایش نیروی انسانی، کاهش انگیزه، مهاجرت زنجیگان و سقوط بهره‌وری منجر می‌شود. برای سال‌ها چنین نسخه‌ای تجویز شده است: «کارگر ارزان، کالا را ارزان می‌کند». اما اکنون زمان آن رسیده است که متوجه باشند اقتصاد سالم، نیروی کار سالم می‌خواهد، نه نیروی کار مطیع و تهیدست. باید دستمزدها را به سطحی رساند که نه تنها هزینه زندگی را پوشش دهد، بلکه برای کارگر، شأن انسانی به همراه داشته باشد. نظام پرداخت باید بازنگری شود. از کارفرمایان کوچک تا صنایع بزرگ، همه باید بدانند که کارگر، شریک تولید است، نه ابزار تولید. این تغییر بنیادی، نه تنها به عدالت اجتماعی می‌انجامد، بلکه بهره‌وری واقعی و رضایت شغلی را نیز افزایش خواهد داد.

همزمان باید باقریبین بود. مهاجران افغانستانی، سال‌هاست در کنار مردم ایران، در مشاغل سخت و طاقت‌فرسا حضور داشته‌اند. بسیاری از آنان، جزئی از ساختار اقتصادی مناطق محروم حاشیه‌ای و صنایع پدی شده‌اند، اما حتی طبق آمار رسمی، از میان بیش از ۷میلیون مهاجر، تنها ۳۳۴هزار نفر دارای مجوز کار رسمی‌اند و این عدد، فقط ۴درصد از بازار کار را تشکیل می‌دهد، پس چگونه می‌توان کمبود کارگر را به خروج همین درصد نسبت داد؟ مشکل این نیست که افغان‌ها رفته‌اند، مشکل این است که ساختار صنعتی کشورمان هنوز برای پرداخت منصفانه به نیروی کار ایرانی برنامه‌ای ندارد. درحالی‌که در کشورهای خلیج فارس تا ۵۰ درصد نیروی کار خارجی هستند، ایران با تنها ۴درصد کارگر خارجی رسمی، هنوز در گیر بحران‌های کارگری است، این خود نشانه‌ای است بر ناکارآمدی نظام تولید، نه مهاجرت. برای پیدا کردن راه برون‌رفت از بحران نیروی انسانی در صنعت، نباید به دنبال سپر بالای ساده‌ای چون «مهاجر» باشیم. باید بپذیریم که رابطه صنعت و نیروی کار به بازسازی نیاز دارد. از دل تورم‌های سالانه و رکود بی‌پایان، نمی‌توان توقع داشت کارگر ایرانی همچنان بایستد و کار کند. او نیز انسان است، با خواسته، با کرامت، با رویا.

بلکه باز تعریف ارزش کار انسانی در اقتصاد ملی. باید سهم نیروی کار از ارزش‌افزوده افزایش یابد. دوم، اصلاح قرارداده‌ا و تثبیت شغلی است. سوم، کاهش هزینه‌های جانبی کارگر، مانند بیمه و مسکن و حمل‌ونقل. از طریق سیاست‌های حمایتی واقعی. این همه مهم‌تر کلید اساسی حل بحران نیروی کار، شراکت کارگر در سود حاصل از تولید است؛ همان توصیه‌ای که رهبر حکیم انقلاب ۲۰ اردیبهشت امسال در دیدار کارگران مطرح کردند. وقتی کارگر احساس کند هرچه سود تولید بیشتر شود، سهم او نیز افزایش خواهد یافت، انگیزه‌اش برای ارتقای کیفیت کار و تلاش بیشتر به‌طور طبیعی افزایش می‌یابد. این شراکت نسه تنها برای کارگر که برای کارفرما نیز مفید است، چراکه باعث افزایش بهره‌وری، کیفیت و وفاداری به شغل می‌شود. زمانی که کارگر شریک واقعی در موفقیت‌ها باشد، کار به یک وظیفه معنوی و نه صرفاً اقتصادی تبدیل می‌شود و این، در نهایت به رشد و توسعه پایدار منتهی خواهد شد. آنچه امروز صنعت ایران را از درون می‌فرساید، نه خروج مهاجر، بلکه فرار میلیون‌ها نیروی کار بالقوه ایرانی از میدانی است که در آن کرامت جایی ندارد. تا زمانی که نظام دستمزده به شکلی انسانی، منصفانه و رقابتی بازتعریف نشود، در روی همین پاشنه خواهد چرخید.

پس از تحولات سیاسی در افغانستان در ۴مرداد سال ۱۴۰۰، تعداد زیادی از افغان‌ها به ایران پناه آوردند. از آن تاریخ تاکنون مهاجران بسیاری به صورت غیرمجاز از مرزها عبور کرده و وارد ایران شده‌اند. دیدگاه‌های متضادی درباره اثرگذاری این نیرو بر کسب‌وکار وجود دارد. برخی معتقدند خروج آنها بسیاری از کسب‌وکارها را آسیب‌پذیر می‌کند، برخی دیگر به دلیل ارزان تر بودن و عدم‌الزام کارفرما به پرداخت بیمه و مالیات، حضور آنان را موجب فشار بر نیروی کار ایرانی می‌دانند. تصور غلطی در میان ایرانیان رایج شده مبنی بر اینکه با خروج افغان‌ها از کشور بسیاری از مشاغل مانند ساختمان‌سازی، کشاورزی و خدمات تعطیل شده و بدون کارگر می‌مانند، اما آنچه معاون وزیر کار روز گذشته بر آن تأکید داشت، حاکی از این واقعیت است که نیروی کار خارجی شناسنامه‌دار در مقابل ۴میلیون نیروی شاغل ایرانی، فقط ۲درصد بازار کار را تشکیل داده است.

■ ■ ■

بعد از جنگ تحمیلی رژیم‌صهیونیستی به ایران، مسئله مهاجران افغانستانی در ایران وارد یک مرحله عجیب و پیچیده شده است، بازگشت ۷۰۰هزار نفر از افغان‌های غیرمجاز در خاک ایران در مقابل جمعیت ۷میلیون مهاجر افغان در ایران بسیار اندک است. با تشدید بحران سیاسی و آسانی در افغانستان پس از فروپاشی توافق دوحه در سال ۱۴۰۰ و تثبیت دوباره حکومت طالبان، ایران شاهد یکی از گسترده‌ترین موج‌های مهاجرت افغان‌ها در دهه اخیر بود، چنانچه اکنون، بنا بر تخمین‌های نهادهای داخلی و بین‌المللی، بیش از ۷ تا ۵میلیون شهروند افغانسان در ایران زندگی می‌کنند، عدمای با مجوز رسمی اقامت و شمار قابل توجهی بدون مجوز. در همان سال‌ها بسیاری از صاحب‌نظران که اتفاقاً نگران وضعیت اتباع در ایران بودند، بارها درباره این ورود و حضور بی‌ضابطه افغان‌ها، به دولت هشدار دادند و بارها گفته شد این سدل از ورود مهاجران افغان می‌تواند برای آن دسته از ساکنان افغانستانی در ایران که سال‌هاست در ایران زندگی و کار می‌کنند نیز خطرناک و نگران‌کننده باشد، اما متأسفانه کمتر توجهی به آن شد. اکنون در نگاه بخشی از مسئولان و جامعه ایران یکی از اصلی‌ترین تهدیدهای پیرامون حضور افغان‌ها، مخاطرات امنیتی احتمالی است، چنانکه طی دو سال اخیر، نهادهای امنیتی چندین مورد اقدام با طرح تروریستی را به اتباع افغانستان نسبت داده‌اند. وزارت اطلاعات در گزارشی در سال ۱۴۰۳ اعلام کرد که «بیش از ۲۰مورد عملیات وابسته به داعش خراسان یا شبکه‌های افراطی با مشارکت مستقیم یا پشتیبانی نیروهای غیر ایرانی کشف و خنثی شده‌اند». در این میان موضوع چالش‌های

گزارش

پنجاه قاسمی



وحید خامی | ایرنا

اقتصادی حضور یا عدم‌حضور افغانستانی‌ها در اقتصاد ایران از سوی تولیدکنندگان و صنعتگران مورد توجه قرار گرفته است.

شاغلان خاموش اقتصاد ایران

در حال حاضر دیدگاه‌های متضادی درباره اثرگذاری این نیرو بر کسب‌وکار وجود دارد، برخی معتقدند خروج آنها بسیاری از کسب‌وکارها را آسیب‌پذیر می‌کند، برخی دیگر به دلیل ارزان تر بودن و عدم‌الزام کارفرما به پرداخت بیمه و مالیات، حضور آنان را موجب فشار بر نیروی کار ایرانی می‌دانند، اما باید توجه داشت که در مشاغل خاص و سخت، مانند ساختمان و کشاورزی، نیروی کار ایرانی همواره نقش مدیریت داشته و ورود نیروی کار خارجی اغلب زمانی پذیرفته می‌شود که تقاضای ایرانی وجود نداشته باشد. معاون وزیر کار روز گذشته در یک نشست خبری به تشریح روند خروج مهاجران افغان پرداخت و با بیان اینکه «در ۱۵سال گذشته نرخ رشد اقتصادی کشور بین ۲ تا ۴درصد در نوسان بوده و برنامه هدف‌گذاری شده نیز دستیابی به رشد بالاتر است که در این صورت با رشد بازار کار ایرانی، نیاز به نیروی کار خارجی به حداقل خواهد رسید»، گفت: مسئله نیروی کار خارجی، مسئله شفافیت و

سرویس اقتصادی۲۰۶۰۸۸۵۳۰

فقط ۲درصد بازار کار ایران نیروی کار خارجی مجوزدار است

معاون وزیر کار: تا پایان خرداد امسال در مجموع ۴۳۳هزارو ۴۹۱ نفر نیروی کار خارجی شناسنامه‌دار در ایران فعالیت داشته‌اند که این رقم نسبت به ۲۴میلیون نیروی شاغل ایرانی تنها حدود ۲درصد از بازار کار را تشکیل می‌دهد

فعالان پلتفرم‌های حمل‌ونقل در اواخر سال گذشته یکی از دستاوردهای مهم در مسیر ساماندهی بازار کار بود و می‌تواند تحولی جدی ایجاد کند.

■ **مهاجران ۱۰درصد جمعیت را شامل شده‌اند**
معاون وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با اشاره به شکل‌گیری سیاست‌های مدیریت نیروی کار خارجی به ویژه اتباع افغانستانی در ایران گفت: در حال حاضر، عمده نیروی کار خارجی حاضر در ایران، مهاجران افغانستان هستند. اگر وارد شمارش نیروی کار غیررسمی شویم، اعداد بسیار متفاوت خواهد بود. ایران در نیم‌قرن اخیر، چهار موج مختلف ورود مهاجران افغان را تجربه کرده است که برآورد می‌شود پیش از تعدیل آمارها در یکی‌دو سال گذشته، مهاجران افغانستانی تا ۱۰درصد جمعیت کشور را شامل شده‌اند؛ آماري که در سطح جهانی نادر است. وی ادامه داد: در ماه‌های اخیر، مجموع افرادی که طی طرح بازگشت مهاجران افغانستانی، به کشور خود بازگردانده شدند حدود ۸۰۰هزار نفر بودند که این روند از اوایل ۱۴۰۴ آغاز شده و تا امروز ادامه یافته است. شرایط بهداشتی، اسکان و تغذیه همه این افراد تا حد امکان رعایت شده اما عمده چالش در سرعت ورود و پذیرش آنان از سوی طرف افغانستانی است. معاون وزیر کار خاطر‌نشان کرد: تا پایان خرداد ۱۴۰۴، در مجموع ۴۳۳هزارو ۴۹۱ نفر نیروی کار خارجی شناسنامه‌دار در ایران فعالیت داشته‌اند که این رقم نسبت به ۲۴میلیون نیروی شاغل ایرانی تنها حدود ۲درصد از بازار کار را تشکیل می‌دهد که از این تعداد ۷۰۰هزار نفر بازگشته‌اند و حدود ۵میلیون نفر همچنان، اغلب در بخش غیررسمی بازار کار حضور دارند، موضوع اصلی، ساماندهی، احراز هویت و تضمین حقوق هر دو طرف است- هم کارفرما، هم کارگر- تا بتوان مسیر مناسبی در بهره‌برداری از ظرفیت سرمایه انسانی منطقه دنبال کرد.
سیدمالک حسینی افزود: نگاه به مهاجران در ایران هم‌زمان با نگاه انسانی و حفظ کرامت ایرانیانی که در این‌ها کار می‌زبان می‌کند، بخشی از واقعیت جامعه است و هر گونه برداشت نادرست یا اتهام به جریان مهاجرتی خاص بی‌انصافی خواهد بود. حسینی با طرح این پرسش که «نیروی کار غیرقانونی در کجای دنیا مورد تکریم است؟» تصریح کرد: نیروی کار خارجی با هر ملیتی برای ما عزیز است اما وقتی خود را معرفی نمی‌کند و از مسیر قانونی نمی‌آید، چگونه سیاستگذار یا مجری باید به او اجازه فعالیت بدهد، بدون آنکه هویتش روشن باشد؟
وی افزود: یکی از چالش‌های بازگشت اتباع به افغانستان این است که هنگام خروج از ایران پرسیده می‌شود از کجا معلوم این فرد افغانستانی است؟ و طالبان هم افراد بی‌مدرک هویتی را نمی‌پذیرد، در حالی که در ایران بحث شناسایی و احراز هویت نیروی کار مطرح است و گاهی با انتقاد مواجه می‌شود. نگاه ایران به مهاجران فرهنگی است و کسانی که وقایع اخیر را به گونه دیگری تفسیر می‌کنند، گاهی شیوه یا فرایند را اشتباه متوجه شده‌اند و باید در کنار رعایت سیاست‌های قانونی، بر حفظ کرامت انسانی و کنترل بازار کار توجه داشت.

کاهش نرخ بیکاری در بهار امیدبخش است

به گزارش تسنیم، حسینی با بیان اینکه «بر اساس جدیدترین آمار رسمی منتشر شده؛ سوی مرکز آمار، وضعیت بازار کار در بهار ۱۴۰۴ نسبت به مدت مشابه سال قبل، نشانه‌های امیدبخشی داشته است»، گفت: هرچند نرخ مشارکت اقتصادی تغییری جدی نکرده، اما حفظ روند کاهش نرخ بیکاری و کاهش اشتغال ناقص، نشان می‌دهد در صورت ادامه سیاستگذاری‌ها برای کاهش بازار غیررسمی، می‌توان به توفیقات جدی‌تری دست یافت. معاون وزیر کار با اشاره به سهم قابل توجه بازار کار غیررسمی در اقتصاد کشور گفت: ما رها حاکی از آن است که ۵۷درصد بازار کار ایران همچنان در اختیار مشاغل غیررسمی است و این موضوع به ویژه در حوزه بیمه نیروی کار، فاصله چشمگیری با وضعیت مطلوب دارد، البته تصویب بیمه

یادداشت «جوان» به هیئت دولت رسید

رسانه و دولت، نشان‌دهنده یک مدل ارتباطی سالم است؛ الگویی که در آن رسانه نه‌فقط ناظر، بلکه کنشگر هوشمند و مؤثر در فضای عمومی و سیاسی کشور است. چنین نقشی البته تنها زمانی محقق می‌شود که رسانه خود را نه در جایگاه اپوزیسیون و تقابلی، بلکه در موقعیت مسئولانه نقد سازنده و همراهی مطالبه‌گرانه تعریف کند. یادداشت مورد بحث دقیقاً در همین چارچوب شکل گرفته و به همین دلیل هم مورد توجه قرار گرفته است. نکته قابل تأمل دیگر آن است که این بازخورد تنها به معنی تأیید یا قهردانی نیست، بلکه نشان می‌دهد رسانه‌ای مانند «جوان» توانسته نبض فضای اجرایی کشور را درست تشخیص دهد و با دقت، دغدغه‌ها و اولویت‌ها را منعکس کند. انتشار این یادداشت، مثال روشنی از ظرفیت رسانه در ایفای نقش مکمل و مؤثر در فرایند حکمرانی است؛ نقشی که گاه؛ در دهها جلسه و گزارش رسمی مؤثرتر واقع می‌شود. در نهایت، این تجربه ثابت کرد که رسانه‌اگر به‌درستی عمل کند، می‌تواند هم دیده شود، هم شنیده شود و هم تغییردهنده باشد.

با روایتی سنجیده، دقیق و همدلانه، نه‌تنها افکار عمومی بلکه حلقه‌های تصمیم‌سازی را نیز متأثر می‌کنند. در روزگاری که گاه اخبار نادرست، حواشی و شایعه‌ها از واقعیت پیشی می‌گیرند، این اتفاق به‌روشنی ثابت می‌کند که روایت حرفه‌ای و مسئولانه هنوز قدرت دارد. اگر رسانه‌ای بتواند موضوعات را به‌ر د را با زبانی متعادل، منطقی و مستند بیان کند، شنیدنی می‌شود، حتی در سطوح بالای تصمیم‌گیری.

در نظر محتوایی نیز یادداشت آقای دولت خداقوت در مسیر درستی گام برداشته بود. ضمن تشویق و تقدیر از تلاش‌های

ایثارگرانه اعضای دولت، به‌ویژه در وزار تخانه‌هایی نظیر جهاد

کشاورزی و نفت، در عین حال پیام اصلاحی نیز در خود داشت.

اشاره به ضرورت روایتگری مؤثر، شفاف‌سازی تصمیمات و

گفت‌وگوی بی‌واسطه با مردم، از نقاط برجسته متن بود. نکته‌ای که

با حساسیت خاصی از سوی آن مقام دولتی مشخص شده و مورد

تأکید مجدد قرار گرفت. این تعامل غیرمستقیم اما عمیق میان

یادداشت «آقای دولت خداقوت»

که روز شنبه هفتم تیر ۱۴۰۴ در شماره ۷۳۳۹ روزنامه جوان منتشر شد، بازتابی فراتر از یک تحلیل یا گزارش معمولی داشت. چند روز پس از انتشار، نسخه‌ای از این یادداشت روی میز یکی از مقامات ارشد دولت چهاردهم قرار گرفت؛ مقالی که نه‌تنها متن را با دقت مطالعه کرد، بلکه در حاشیه آن، با رافق رسمی نوشت که به روشنی نشان‌دهنده تأثیرگذاری محتوای یادداشت بود. در این باراف آمده بود: «بسمه‌تعالی. به استحضار اعضای هیئت دولت برسد. با تشکر قراوان و چندین باره از همه تلاش‌های ایثارگرانه، همدلی، همیشگی و سرعت عمل با دقت بالا در تصمیم‌گیری‌ها و پایداری در بازار و همه کارهای خوب دیگر! ان‌شاءالله این روند با شتاب و دقت بیشتر در تصمیمات به این شرایط «عاش» ادامه یابد.» این سطح از بازخورد رسمی، صرفاً یک واکنش اداری نیست، بلکه به‌وضوح گواهی است بر جایگاه اثر‌گذار روزنامه «جوان» و قرائن از آن رسانه‌های مکتوب که

نکته

تجمع سهامداران «وئشو» در اعتراض به روند نزولی سهم



هستند که از طریق آنها سهم به بازارگردان فروخته می‌شود. این اتفاق باعث شده روند طبیعی بازار دچار اختلال شده و سهامداران خرد متضرر شوند. سهامداران اعلام کردند قصد داشتند در این تجمع با یکی از اعضای هیئت‌مدیره و از چهره‌های شناخته‌شده شرکت دیدار کنند، اما در نهایت، شخصی به نمایندگی از شرکت در محل حاضر شد و پاسخ‌هایی کلی ارائه داد. سهامداران این برخورد را ناکافی دانسته و خواستار دیدار مستقیم با مسئولان تصمیم‌گیر در شرکت شدند. در بخش دیگری از مطالبات،

روز شنبه جمعی از سهامداران شرکت سرما یه‌گذاری ساختمانی نوین (وئشو) در اعتراض به روند نزولی و مشکوک سهم، مقابل دفتر مرکزی شرکت سرما یه‌گذاری ساختمان ایران (سواخت) تجمع کردند. سهامداران حاضر در این تجمع که بعضی از آنها پیش از چهار سال است در این نهاد سرمایه‌گذاری کرده‌اند، خواستار توقف روند نزولی سهم، شفاف‌سازی عملکرد بازارگردان و پاسخگویی شرکت به نگرانی‌های سهامداران شدند. معترضان با اشاره به شواهد موجود در تابلوی معاملات سهم، عنوان کردند در روزهای اخیر، بازارگردان صرفاً خریدهایی در حد حجم مینا انجام داده و از سوی دیگر، حقوقی سهم نیز هم‌زمان در صف فروش قرار گرفته است. به گفته آنان، این روند نشان می‌دهد حقوقی‌ها و بازارگردان در عمل با یکدیگر هماهنگ هستند و قیمت سهم به‌صورت ساختاری پایین نگه داشته می‌شود. برخی سهامداران تأکید کردند کدهای فروشنده عمدتاً متعلق به زیرمجموعه‌های شرکت «سواخت»



آگهی مزایده عمومی اجاره سالن مرغداری ۸۰۰۰ قطعه ای دانشکده دامپزشکی دانشگاه شیراز	
دانشگاه شیراز در نظر دارد نسبت به مزایده عمومی اجاره سالن مرغداری دانشکده دامپزشکی واقع در منطقه با جگاه (کیلومتر ۱۴ جاده شیراز – مرودشت) اقدام نماید. از متقاضیان دعوت به عمل می آید جهت خرید اسناد مزایده و اطلاع از جزئیات بیشتر به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) از روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۴/۲۲ تا روز یکشنبه ۱۴۰۴/۴/۲۹ به نشانی https://setadiran.ir به شماره مزایده ۰۰۰۰۰۰۰۳۴۲۰۶۰۴۰۰۰ مراجعه نمایند. کلیه مراحل خرید اسناد تا ارائه اعلام قیمت و اعلام برنده از طریق آن در گاه صورت می‌پذیرد. لذا متقاضیان می بایست نسبت به ثبت نام و اخذ گواهی امضای الکترونیکی قبل از خرید اسناد اقدام نمایند. ضمانت نامه شرکت در مزایده ۳۸۴,۰۰۰,۰۰۰ ریال (سیصد و هشتاد و چهار میلیون ریال) می باشد.	
مدیریت امور عمومی و پشتیبانی دانشگاه شیراز	شماره آگهی: ۱۹۶۲۸۷۸